

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۲۱ فبروری ۲۰۲۴

یک ترفند ایدئولوژیک صهیونیستی با همدستی تجزیه‌طلبان قومی

استعمار به فرآیندی اطلاق می‌شود که طی آن دولتی از یک قلمرو خارجی با نیروی نظامی، کشور و سرزمین دیگری را اشغال کرده و با برگماری والی و مدیران اداری خودی، با کشتار مردم، سلب مالکیت از آنها بر زمین و منابع طبیعی، غارت ثروت آنها به بردگی کشیدن آنها و استفاده از نیروی کار ارزان، به اسارت مردمان بومی آنجا پرداخته و کشور مادر را از طریق این غارت بهره‌مند از ثروت می‌کند. انجام این اقدامات استعمارگرانه تنها با نیت اقتصادی نیست از نظر نظامی و ژئوپلیتیک نیز اشغال سایر کشورها برای استعمارگران و امپریالیست‌ها اهمیت دارد. آنها بعد از استقرار نظامی تلاش می‌کنند با نسل‌کشی و یا نابودی هویت ملی و فرهنگ بومی، انسان‌های بی‌انگیزه و بی‌اراده تربیت کنند و فرهنگ خود را به آنها حقه نمایند تا زمان سیطره خویش را از نظر فرهنگی نیز افزایش دهند. این استعمارگران با استعمارشدگان نه مرز مشترک، نه فرهنگ مشترک، نه زبان مشترک، نه سرزمین مشترک، نه هویت و تاریخ مشترک دارند. حتی برای توجیه استعمار و نسل‌کشی از «برتری نژادی» و درجه پیشرفت «تمدنی» خود مایه می‌گذارند و به استعمار شدگان به عنوان انسان‌های درجه دو که لایق این سرکوب هستند نگاه کرده و آنها را در مطبوعات و مدارس و سیاست روزمره عمومی خود آموزش داده و تبلیغ می‌کنند.

امپراتوری‌های اروپایی مانند اسپانیا، پرتغال، هلند، بلجیم، انگلیس، المان، ایتالیا و فرانسه شروع به تأسیس مهاجرنشین‌ها در سرتاسر جهان کردند. افریقا، آسیا، امریکا و استرالیا به عنوان نقاط مهم غارت استعماری به شمار می‌رفتند. پادشاه بلجیم در کنگو که آن را سرزمین خصوصی خود عنوان می‌کرد در ازای کم‌کاری دست و سر می‌برد، به زنان تجاوز می‌کرد و آنها را از درخت می‌آویخت، المان با نسل‌کشی در نامیبیا صدها هزار نفر را به قتل رسانید، فرانسه در الجزایر چند میلیون نفر را کشت، کشتار استعمار انگلستان در مصر، افریقای جنوبی، سودان، سومالی و... باورنکردنی است. اسپانیا با فروش بردگان در امریکا مانند انگلیس‌ها ثروتمند شد و میلیون‌ها برده سیاهپوست را به امریکا برای کار اجباری برد. این تنها گوشه‌ای از سیاست استعماری و مفهوم استعمار است.

این سیاست ضدبشری تا جنگ جهانی اول ادامه داشت. با پیروزی انقلاب سوسیالیستی اکتوبر در روسیه کمر استعمار نیز شکست و خلق‌های جهان برای رهائی ملی به انقلاب دست زدند. با پیروزی جبهه ضدفاشیستی و شکست اردوگاه امپریالیسم جاپان و المان در جنگ جهانی دوم و تضعیف امپریالیسم بریتانیا به طور کلی نظام مستعمراتی کهن در هم ریخت و استعمار کهن عملاً در مقابل مقاومت مردم در هم شکست. ولی امپریالیست‌ها بر آن شدند تا در شیوه‌های غارت

خود ریاکارانه تجدید نظر کنند. آنها سربازان خویش را از مستعمرات خارج کردند و عوامل بومی را که نوکر آنها بودند، در این کشورها بر سر کار آوردند. نظیر فاروق در مصر، موبوتو و موسی چومبه در کنگو، نگودین دیم در ویتنام، محمدرضا شاه در ایران، سوهارتو در اندونزی، پینوچیت در چیلی و... این شیوه ریاکارانه که بر حضور واقعی سربازان بیگانه پرده ساتری می‌کشید استعمارنویین لقب گرفت که مضمون استعمار کهن را با شکل جدید به خورد مردم این کشورها و افکار عمومی جهان می‌دادند.

این فقط گوشه کوچکی مربوط به تاریخ استعمار و فروپاشی آن است.

جریان‌های ناسیونال‌شونیست در ایران در میان آذری‌ها و به ویژه در میان کردها، این تئوری صهیونیستی را که از طرف اتاق‌های فکری صهیونیستی براننده تن آنها دوخته و تنظیم شده است تبلیغ می‌کنند که گویا ترک‌ها، اعراب، فارس‌ها بخش‌های گوناگون کردستان را به مستعمره خود بدل کرده و در نتیجه آنها در این سرزمین‌ها استعمارگرند. در تبلیغات آنها نفرت ضدترک، فارس، عرب بشدت به چشم می‌خورد. ناسیونال‌شونیست‌های آذری فقط مأمورند به ضد فارس نفرت پراکنی کنند و تمام صفحات آنها در شبکه‌های مجازی دشمنی با فارس‌ها و ترغیب به تجزیه ایران است.

در اسنادی که حتی به ظاهر «چیپ»‌های این بخش‌ها منتشر کرده‌اند بدون ذره‌ای سواد مارکسیستی لنینیستی ممالک ترکیه، سوریه، عراق و ایران را به استعمارگر متهم ساخته مسأله ستم ملی که در هر کدام از این کشورها تاریخچه و نسبیت خود را دارد با اشغالگری ملی و حضور نظامیان خارجی از جمله استعمارگران بریتانیا و فرانسه و... مقایسه می‌کنند. آیا کردستان ایران که در طی قرن‌ها در سرزمین مشترک ایران جای داشته واقعاً از طرف یک نیروی خارجی برای غارت و چپاول اشغال شده است؟ آیا حکومت ایران به نسل‌کشی کردها در ایران پرداخته و آنها را به اسارت برای بردگی و فروش گرفته است؟ آیا حکومت ایران فرهنگ بومی کردی را نابود کرده و زبان انگلیسی و یا فرانسه را به آنها تزریق کرده است؟ آیا تاریخ کردستان ایران بدون تاریخ مشترک مردم ایران از هزاران سال پیش قابل تفسیر و تدوین است؟ آیا کردستان نه در درون و نه در همسایگی ایران قرار داشته بلکه در قاره دیگری زیست می‌کند؟ واقعیت این است که چنین نیست و نشانه‌های استعمار کهن در افریقا، آسیا، امریکا و استرالیا را نمی‌شود با وضعیت کردستان ایران، سوریه و یا ترکیه مقایسه کرد.

ولی این دروغ‌گویی و شست و شوی مغزی چه فایده‌ای به حال ناسیونال‌شونیست‌ها دارد؟ دو حالت پیش می‌آید: اگر شما از ستم ملی و مبارزه برای رفع آن در چارچوب سرزمین واحد صحبت کنید، طبیعتاً متحدان شما کسانی هستند که برای دموکراسی و پایان خفقان در همان کشور مبارزه کرده از حقوق مدنی و شهروندی هر تبعه ایرانی حمایت می‌کنند. شما به سازمان متحد و مشترک سندیکائی، به بنیادهای مشترک انسانی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و به حزب مشترک و واحد طبقه کارگر، به جبهه واحد و مشترک مبارزه ضدیگانه نیاز دارید. اقوام این ممالک برای سرنوشت واحد به ضد دشمن واحد و برای سربلندی کشور واحد مبارزه می‌کنند. این همان سیاستی است که حزب ما از آن حمایت می‌نماید. ولی اگر شما سرزمین خود را اشغال شده جا بزنید و مدعی شوید که به ضد استعمارگران و برای اخراج آنها مبارزه می‌کنید، آنگاه هم متحدان شما متفاوت خواهند شد و هم دشمنان شما. کسانی که کردستان ایران را سرزمین اشغال شده جا می‌زنند و برای «آزادی» کردستان به ضد استعمارگران فارس^[1] مبارزه می‌کنند دشمنان خویش را فارس‌ها و در واقع ایرانی‌ها اعلام کرده‌اند و برای جدائی از ایران مبارزه کرده و برای «رهائی» خویش از یاری امپریالیسم، صهیونیسم نیز برخوردارند و این همدستی با امپریالیسم و صهیونیسم را در جهت «رهائی» خویش قلمداد می‌کنند. این که بخشی از کردهای سوریه با برچسب کوبانی همدست امریکا هستند با همین تئوری توجیه‌پذیر می‌شود. این که محافلی از کردها همدستان صهیونیسم در غرب آسیا هستند نیز با این تئوری صهیونیستی قابل هضم می‌گردد. حمایت

صهیونیسم و امپریالیسم از کردها برای «رهائی» آنها از چنگال «استعمارگران فارس» است و در جنگ ضداستعماری برای رهائی ملی هر کمکی که به این «رهائی» یاری رساند مبارک است. این است که جریان‌های ناسیونال‌شونیست کرد با صهیونیست‌ها برای ترور، خرابکاری، جاسوسی، تحریم و تجاوز به ایران همکاری می‌کنند و به اقدامات مسلحانه و تروریستی در مرزهای ایران و در داخل خاک ایران دست می‌زنند زیرا ایران وطن آنها نیست و مردم ایران دشمنان آنها محسوب شده و استعمارگرند. آنها کردستان ایران را در اشغال ارتش ایران می‌دانند و بارها آن را نوشته‌اند. در تمام تبلیغات آنها در رقابت‌های ورزشی جهانی آنها در کنار تیم‌های ورزشی دشمنان ایران قرار دارند. جالب است که همین ناسیونال‌شونیست‌ها در نسل‌کشی صهیونیست‌های اشغالگر در فلسطین در کنار اسرائیل قرار داشته برای آنها و به ضد حماس تبلیغ کرده و در هیچ کدام از تظاهرات مردم جهان در حمایت از جنبش فلسطین شرکت نمی‌کنند و این اوج سیاست نفرت‌انگیز ناسیونال‌شونیستی آنهاست که به مرگ دیگران راضی هستند.

البته همین سیاست را بخشی از کردهای ترکیه که اسنادش در اختیار ماست نیز دارا می‌باشند که در ترکیه به ضد «فاشیسم ریاستی اشغالگر ترکیه» مبارزه می‌کنند و حامی ناسیونال‌شونیست‌های ایران، سوریه و عراق‌اند و در مورد مبارزه مردم فلسطین سکوت می‌کنند. زیرا اشغالگر صهیونیست، متحد آنهاست. در مورد همدستی کردها با امپریالیسم و صهیونیسم در سوریه، وضعیت به قدری روشن است که کوبانی به بخشی از ارتش داعش و امریکا برای اسارت و اشغال سوریه بدل شده است و طبیعتاً تبلیغات امپریالیستی در مورد کردهای کوبانی که گویا فهمیده‌ترین سوسیالیست‌های جهان بوده که معنی سوسیالیسم را فهمیده و برای تحقق سوسیالیسم در سوریه علیه دولت رسمی و ملی بشار اسد در کنار امریکا می‌جنگند تنها برای رد گم کردن و فریب عده‌ای ساده‌لوح است که ربطی به سوسیالیسم ندارد و هدفش توجیه خیانت ملی و دشمنی با مضمون سوسیالیسم است.

نقل از توفان شماره ۲۸۸ ارگان مرکزی حزب کار ایران اسفند ماه ۱۴۰۲

www.toufan.org

[۱] - در اینجا باید آذری‌ها را نیز اضافه کرد زیرا که آنها بخش مهمی از حاکمیت ایران هستند و علی‌رغم ایجاد تناقض در تئوری‌های کردهای ناسیونال‌شونیست مسکوت گذاردن این واقعیت فعلاً به صلاحشان است.